

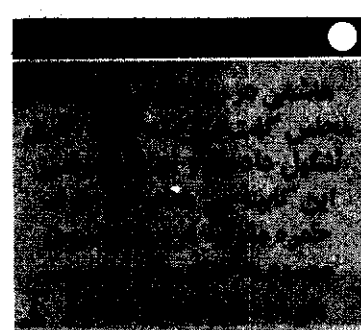


مهید قاسمی فیض آبادی

# سرنوشت ریاست جمهوری در

رئیس جمهور جز مقامی تشریفاتی نشد. از رئیس جمهوری در قالب رهبری کاریزما، و اوج اختیارات به فردی که حتی نمی‌توانست بدون اجازه نخست وزیر، حقوق ماهانه خویش را دریافت نمایند روند تاریخی ریاست جمهوری پس از انتخاب نامزد جامعه روحانیت مبارز تهران ابوالحسن بنی صدر شکل خاصی به خود گرفت و از همان ابتدا معلوم شد که نوشتن قانون اساسی با توجه به منزلت‌های اجتماعی افراد، در عمل با مشکلات فراوانی روبرو خواهد شد.

اولین رئیس جمهوری اسلامی ایران سرنوشت خوبی نداشت او از همان ابتدا با مجلسی روبرو شد که به وی حتی اجازه نداد نخست وزیر را از همراهان خود انتخاب کند بنی صدر برای اینکه بتواند ضعف تشریفاتی بودن ریاست جمهوری را با انتخاب نخست وزیر هم‌هنگ و همراه خویش جبران کند تلاش زیادی نمود اما به ناچار مجبور شد تا به خواسته مجلس شورای اسلامی تن دهد و شهید رجایی را برای این پست انتخاب کند. اختلاف بین شهید رجایی و بنی صدر به قدری عیان بود که در رفتار ظاهری آنها نیز این مشکل باعث تعجب دیگران می‌شد در یکی از شهرهای شمال و در دیدار

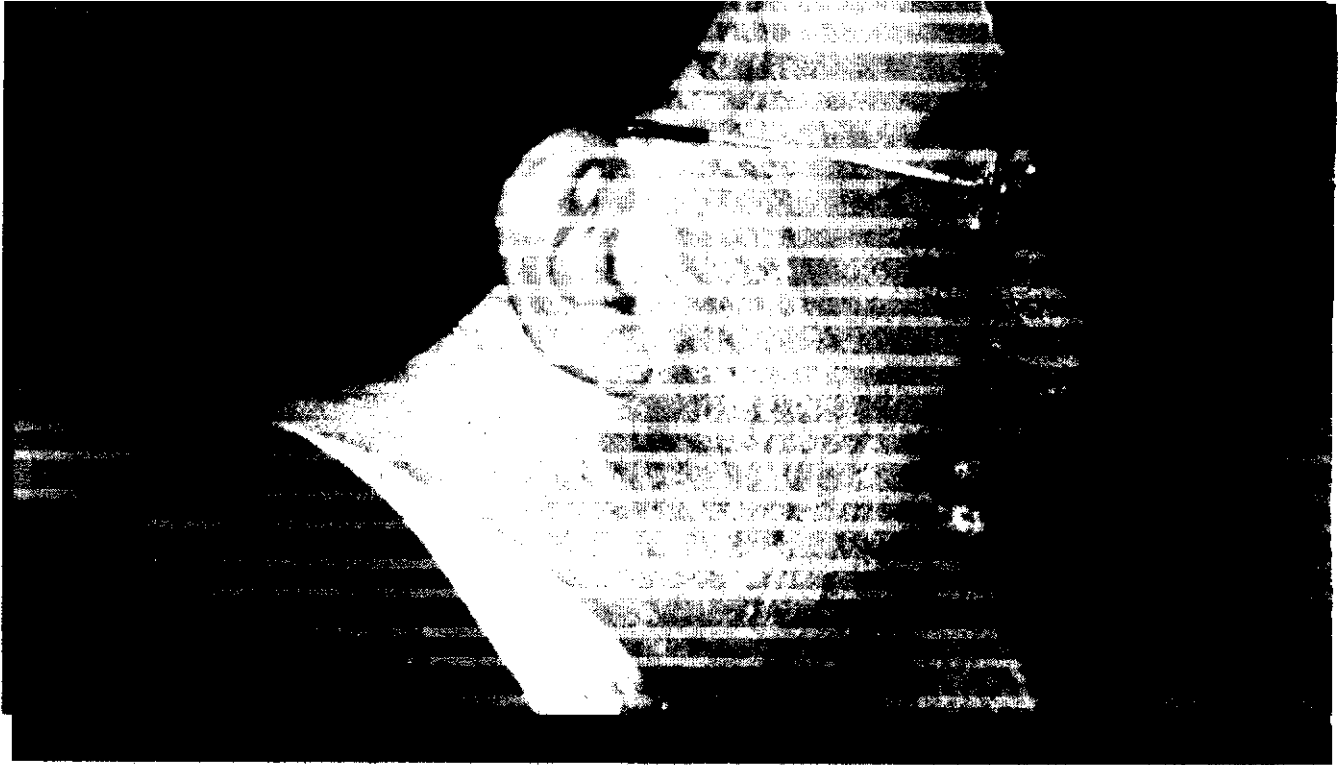


مردمی با بنی صدر و رجایی، هنگام سوار شدن رجایی در ماشینی که رئیس جمهور و نخست وزیر با هم در آن سوار شده بودند پس از سوار شدن رئیس جمهور، نخست وزیر از ماشین جا ماند و یا به بیان بهتر از ماشینی جا گذاشته شد و پس از دویدن نخست وزیر به

قبل از خرداد ۷۶ از پس این فرضیه محافظه کاران که حتما اکبر ناطق نوری رئیس جمهور خواهد شد راه‌های یک انتخابات پر شور اما تا حدودی کنترل شده در جهت پیروزی ناطق نوری جست‌وجو گشت. از همین رو از نامزدی میرحسین موسوی چندان استقبال نشد و ایشان نیز چون می‌دانست اگر پشتیبانی تمامی گروه‌ها را نداشته باشد در صورت رای آوردن نیز با مشکلات زیادی روبرو خواهد شد، ترجیح داد عرصه انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری نشود.

جناب چپ که نامزد اصلی خود را از دست داده بود به دنبال حضوری موثر در انتخابات ریاست جمهوری بود تا از این طریق توفیق نسبی خود را که با آمدن کارگزاران و کسب اقلیت تا حدودی موثر، در مجلس پنجم ایجاد شده بود بیشتر نماید. قرعه این فال به نام محمد خاتمی خورد، خاتمی حتی تا نزدیکی انتخابات نیز باور نکرده بود رئیس جمهور آینده ایران است از این مهمتر مهدی کروی مهمترین حامی خاتمی چند روز مانده به شروع تبلیغات رسمی در قم در جمع دانشجویان مذهبی (طلبه) که طرفدار خاتمی بودند اظهار داشت: ما نیامده‌ایم تا حتما برنده انتخابات باشیم بلکه وظیفه خود می‌دانیم تا در هر چه باشکوه‌تر شدن انتخابات از حیث بالا بردن آرای مردم کوشش کنیم. این گفته تلویحا بدان معنا بود که کروی هم به پیروزی خاتمی مطمئن نیست آنها تا آخرین لحظه نمی‌دانستند خاتمی سه برابر رقیبی رای می‌آورد، که بسیاری خود را آماده کرده بودند تا در کنار او در هیات دولت آینده با او همراهی کنند.

تاریخ ریاست جمهوری در ایران اگرچه کوتاه است اما در همین مدت کوتاه فراز و فرودهای بسیاری داشته است. از روزی که در ابتدای سال‌های ۵۸ طرفداران امام خمینی (ره) در زیر عکس وی این عبارت را می‌نوشتند "اولین رئیس جمهور ایران امام خمینی (ره)" تا وقتی که در مجلس خبرگان

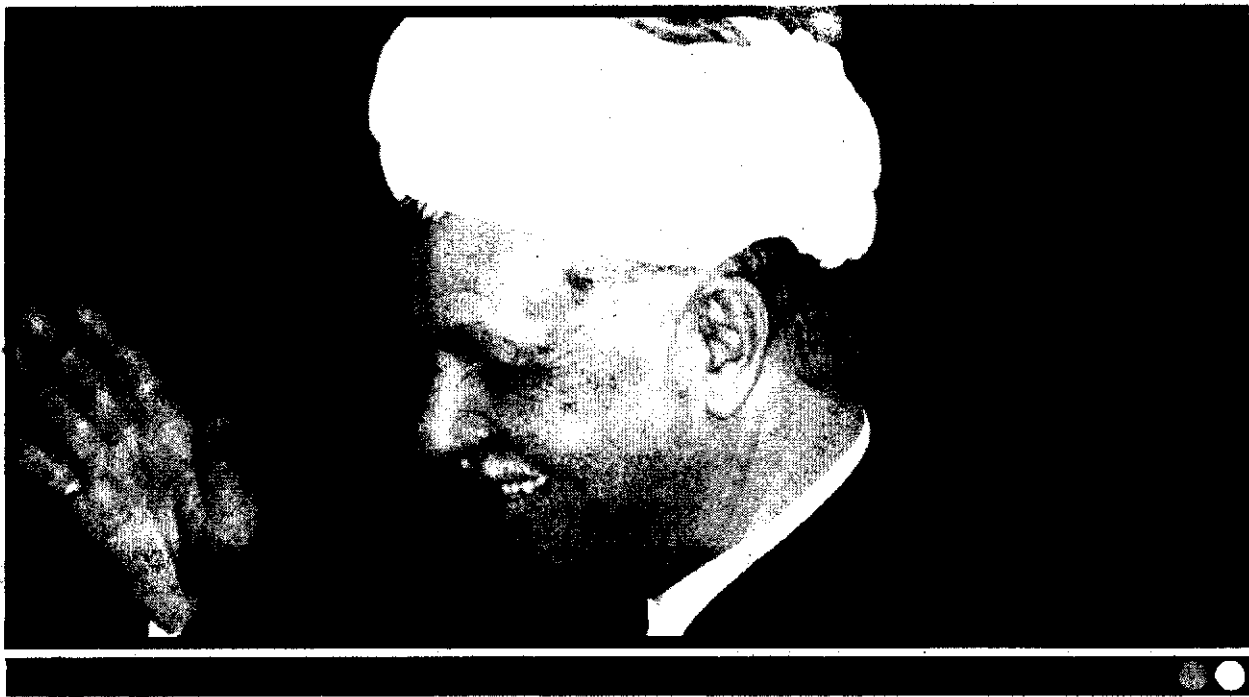


## ایران

بگیرد جای وزیر خارجه خود مهندس موسوی را با دکتر ولایتی عوض کرد و مهندس موسوی از مجلس رای اعتماد گرفت و نخست وزیر شد. با نخست وزیری موسوی رقابت درون حزبی به لایه های عمیق تر انقلابیون سرایت کرد رفقای حزبی برای تقویت گروه های درون حزبی خود به گرایشات متمایل به خود در خارج از حزب مرتبط شدند از این طریق دامنه اختلاف نظرها به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم نیز کشیده شد. در حوزه علمیه قم احمد آذری قمی به عنوان یکی از تنورسین های حوزه با روش های به کار گرفته شده در دولت به خصوص در زمینه های اقتصادی و اقتصاد دولتی، و تمرکز همه امور در دولت به مخالفت پرداخت. اگرچه این مخالفت در افکار عمومی آن زمان چندان برجسته نشد اما با کناره گیری احمد توکللی سخنگو و وزیر کار دولت موسوی که از طرح اختیار

دنبال ماشین رئیس جمهور، ظاهرا اعضای گارد ریاست جمهوری تشخیص دادند به لحاظ امنیتی لازم نیست نخست وزیر را سوار کنند و رجایی مجبور شد در ماشین های بعدی سوار شود. اختلاف رئیس جمهور و نخست وزیر بر سر وزرای کابینه هرگز کاهش نیافت و تا وقتی که بنی صدر در اواخر بهار ۶۰ مجبور به فرار از ایران شد وزارتخانه های کلیدی جمهوری اسلامی ایران وزیر نداشت. فرار بنی صدر و رجوی با لباس مبدل به همین جا ختم نشد و از دل آن، انفجار ساختمان حزب جمهوری اسلامی در سرچشمه تهران به وجود آمد که در آن بهشتی، منتظری و چند وزیر و چندین نماینده و بیش از ۷۲ نفر از مسئولان هم خط و هم جریان حزب جمهوری اسلامی شهید شدند. پس از فرار بنی صدر، رجایی برای مدت کوتاهی رئیس جمهور ایران شد در هشتم شهریور وی به همراه نخست وزیرش شهید محمدجواد باهنر در کینه وحشیانه مجاهدین خلق (مناقین) سوختند. پس از این فاجعه، حزب جمهوری اسلامی که تا آن زمان با توجه به نظر امام خمینی (ره) از نامزد کردن فردی روحانی صرف نظر کرده بود این بار با مشورت امام خمینی (ره) و وضعیت خاصی که ترورها ایجاد کرده بود آیت الله خامنه ای را (مقام رهبری) که هنوز از زخم ششم تیر ماه ترور التیام نیافته بود برای ریاست جمهوری نامزد کرد و ایشان برنده انتخابات سومین دوره ریاست جمهوری شد. با انتخاب آیت الله خامنه ای (مقام رهبری) سه ضلع روسای قوا، سه عضو شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی شدند، (موسوی اردبیلی رئیس دیوان عالی کشور - قوه قضائیه - آیت الله خامنه ای، رئیس جمهور و اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس) با این ترکیب اختلافات بیرونی حزب برای اداره کشور حل گردید و از این پس رقابت های درونی حزب جایگزین آن شد. رئیس جمهور که نتوانسته بود برای نخست وزیر خود (علی اکبر ولایتی) از مجلسی که با استعفای وی از نمایندگی برای قبول پست ریاست جمهوری موافقت کرده بود رای اعتماد





برای دریافت حقوق ماهانه‌ام می‌بایست نخست وزیر آن را امضا کند این در حالی است که ابهتی در شان یک رئیس‌جمهور مقتدر در خارج از کشور از خود نشان داده‌ام و در مواجهه با سران کشورهای دیگر فقط با احترام متقابل برخورد می‌کردم و در این باره نیز به نقل یک اتفاق در برخورد با رهبر یکی از کشورها نیز پرداخت.

با رحلت امام خمینی (ره)، آیت‌الله خامنه‌ای به مقام رهبری رسید و دوره ریاست جمهوری دور تومش به پایان نرسید.

در این مقطع حزب موثر جمهوری اسلامی به فرمان امام تعطیل شده بود اما هنوز هم گروه‌های ذی‌نفوذ در جمهوری اسلامی، اعضای قبلی این حزب بودند. از سال ۶۶ معلوم شده بود نامزد بعدی ریاست جمهوری اکبر هاشمی رفسنجانی است و با توجه به اینکه وی در واقع نفر دوم کشور بعد از امام محسوب می‌شد امیدهای زیادی به وی بسته بودند که او می‌تواند جمهوری اسلامی را از گردنه جنگ‌های یخسیده و موجبات ترقی کشور را فراهم سازد از همین رو قاعده «همانگی» جامعه قانون اساسی با تن افراد بار دیگر تکرار شده و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران متمم خورد. در قانون اساسی جدید مقام نخست‌وزیری از آن حذف و رئیس‌جمهور تمامی مسئولیت‌های اجرایی را عهده‌دار شد به این ترتیب هاشمی رفسنجانی پس از انتخاب به مقام ریاست جمهوری رسماً و عملاً نفر دوم کشور گردید ناگفته نماند علاوه بر این تغییر، تغییرات مهم دیگری به سمت تمرکز بیشتر قدرت در مدیریت قوا به وجود آمد و نظام شورایی تا حدود زیادی از قانون اساسی رخت بر بست. در این راستا به جز مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا، دو قوه قضاییه و مجریه دارای رئیس با اختیارات بیشتر شدند. علاوه بر آنها مرجعیت به عنوان شرط رهبری و شورای رهبری نیز در قانون اساسی جدید حذف گردیدند. اکبر هاشمی رفسنجانی هنگام دریافت حکم ریاست جمهوری از رهبری یادآور شد که هرگز گمان

بیشتر کارفرمایان در عقد قرارداد با کارگران دفاع می‌کرد و مورد حمایت بخشی از حوزه علمیه قم نیز بود بتدریج جنبه عمومی پیدا کرد این در حالی بود که امام خمینی (ره) از نخست‌وزیر، مهندس موسوی، پشتیبانی می‌کرد. در میسر این اختلاف‌نظرها رئیس‌جمهور در جواب مثبت به بخشی از دوستانش در حوزه علمیه قم و مجلس درصدد برآمد تا موسوی را برای بار دوم به نخست‌وزیری انتخاب نکند اما وضعیت جنگی و حمایت امام خمینی (ره) سبب شد تا باز هم مهندس موسوی نخست‌وزیر ایران باشد و وزرایی که با او اختلاف نظر داشتند در دولت دوم آیت‌الله خامنه‌ای برای هیات دولت برگزیده نشدند به طوری که پس از سال ۶۴ دیگر در دولت مهندس موسوی از عسگر اولادی، ناطق نوری و احمد توکلی خبری نبود، از این پس در نظر بسیاری از طرفداران امام، مخالفان مهندس موسوی در جرگه مخالفان با امام قلمداد می‌شدند آیت‌الله علی خامنه‌ای که در دوره اول ریاست جمهوری، نخست‌وزیرش از طریق مجلس، انتخاب شده بود این دوره نیز با حمایت امام و مجلس بر سرکار باقی ماند.

در سال آخر دوره دوم ریاست جمهوری آیت‌الله علی خامنه‌ای (مقام رهبری) حوادث بسیار مهمی در کشور اتفاق افتاد با شروع سال آخر ریاست جمهوری وی قطعنامه ۵۹۸ از طرف ایران پذیرفته شد و جنگ به صورت نه جنگ و نه صلح درآمد پس از آن در ابتدای فروردین ۶۸ آیت‌الله منتظری از قائم مقامی رهبری برکنار شد و در خرداد سال ۶۸ امام خمینی (ره) رحلت کردند. رئیس‌جمهور که دو دوره ریاستش در حال پایان بود و در نیمه دوم سال ۶۷ در جمع طلبه‌های قم وقتی از او سؤال شد، چه برنامه‌ای برای بعد از پایان یافتن دوره ریاست جمهوری خود داشته باشد، در هر جا که باشم در خدمت انقلاب اسلامی خواهم بود و این جمله با حکایتی از وی همراه بود که نشان می‌داد از دو دوره ریاست جمهوری با اختیاراتی محدود گله‌مند است. رئیس‌جمهور در این جمع گفت: من در ایران رئیس‌جمهوری بودم که حتی

نمی‌کرد این حکم را باید از دست امام نگیرد. با رئیس جمهور شدن اکبر هاشمی رفسنجانی، کربوبی که نائب رئیس مجلس بود این فرصت را یافت تا رئیس مجلس سه سال آخر دوره سوم باشد هاشمی در روز معرفی کابینه به مجلس گفت من یک کابینه کاری تشکیل داده‌ام و تنها فرد سیاسی این کابینه من هستم این حرف حمزه مشرقیه غروب سیاسیون موسوم به جناح چپ محسوب می‌شد و همینطور هم شد. در اواخر این دوره و شروع دوره چهارم بود که متبلور شدن مدیریت در یک فرد و قهرمان خواهی بخش‌های زیادی از مردم، کار را به جایی رساند که مخالف هاشمی، مخالف پیامبر گردید. در انتخابات دوره چهارم مجلس، کسانی که به نوعی با هاشمی مخالفت کرده بودند یا به این نام شهره شده بودند نتوانستند رای مردم را کسب کنند و از گردونه رقابت برای رسیدن به مجلس چهارم خارج شدند. مجلس چهارم حامی دولت هاشمی و هماهنگ با آن بود.

در اواخر مجلس چهارم و با مطرح شدن اکبر ناطق نوری به عنوان نامزد بدعی ریاست جمهوری این قصه شکل دیگری به خود گرفت و به تدریج بعضی از نشریات دانشجویی که ساخته و پرداخته برنامه‌های دو قطبی کردن انجمن‌های اسلامی بودند به انتقاد از هاشمی رفسنجانی پرداختند استمرار انتقادات باعث شد تا در پی احساس خطر حذف نزدیکان هاشمی، هسته اولیه کارگزاران برای انتخابات دوره پنجم مجلس شکل بگیرد و مجادله بر سر گذاشتن پنج نماینده و در راس آنها عبدالله نوری در لیست جامعه روحانیت مبارز تهران راه به جایی نبرد و کارگزاران در مقابل جامعه روحانیت مبارز تهران علم شد و آنها توانستند، نیمی از نمایندگان خود در تهران را راهی مجلس پنجم کنند و اقلیت مقتدری در مجلس در برابر اکبر ناطق نوری و

جامعه روحانیت مبارز تهران

ایجاد نمایندگانی تا از این طریق ضعف خود را در برابر جناح ناطق نوری جبران و موقعیت‌های خود را حفظ کنند همه جا سخن از ریاست جمهوری اکبر ناطق نوری پس

از هاشمی رفسنجانی بود و همه نیز این را باور کرده بودند که این بار باز قدرت برشانه او خواهد نشست که این چنین نشد اونه تنها رئیس جمهور نشد بلکه می‌رفت رئیس مجلس هم نباشد که به مدد دوستانش این موضوع اتفاق نیفتاد و وی تا آخر دوره پنجم رئیس مجلس باقی ماند.

دوره هفتم ریاست جمهوری با دوره‌های دیگر این تفاوت را پیدا کرد که در شش دوره قبل فرد مورد نظر برای ریاست جمهوری قبلاً تعیین می‌گشت و نفوذ مردمی این افراد و گروه‌ها نیز آنچنان بود که مردم نیز به وی رای می‌دانند اما در هفتمین دوره چنین نشد و ناطق که برای ریاست جمهوری تعیین شده بود رئیس جمهور نگشت و خاتمی که آمده بود تا مشروعیت بیشتر به انتخابات ببخشد رئیس جمهور گردید و هاشمی رفسنجانی نیز به تشریفات قانونی این موضوع کمک کرد و خاتمی رئیس جمهور شد.

با رئیس جمهور شدن خاتمی، جوانان سیاسی بدون توجه به ساختار قدرت در ایران با رئیس جمهور شدن خاتمی خواب اصلاحاتی عمیق و شبیه

انقلاب را دیدند اما این خواب تمبیر نشد. دوره اول ریاست جمهوری خاتمی با قتل‌های زنجیره‌ای و موانع مختلفی همراه گردید تا شاید مطابق پیش‌بینی افراطیون محافظه‌کاری که فکر می‌کردند خاتمی اگر تحت فشار قرار گیرد، بسیار زود و در مدت کمتر از شش ماه استعفا خواهد داد و از اریکه ریاست جمهوری به زیر خواهد آمد پس از اینکه طرح‌های ایدایی و موانع فیزیکی راه را بر خاتمی به طور کامل نیست راه‌های شبه قانونی به عنوان طراحی موانع جدید جلوی پای دولت قرار گرفت این راه که تمسک به شعار قانونگرایی خاتمی بود آن بخش از محافظه‌کاران منصف خاتمی را نیز ناخودآگاه وارد عرصه کرد و عاقبت آن شد که دولت مجبور شد اعتراف کند، هر ۹ روز یک بحران داشته است اصلاحات سرخورده به دنبال پی‌جویی راه‌های دیگر سعی کرد تا بتواند مسیر خود را پیدا کند در این میان خاتمی تمامی راه‌های مسالمت‌آمیز را حتی به قیمت عصبانی کردن بسیاری از دوستان خود پی گرفت اما عاقبت مجبور شد دو لایحه خود را نیز از مجلس پس بگیرد این در حالی است که روش کدخدانسانه کربوبی نیز نتوانسته است راهی برای رفع موانع جبهه دوم خرداد و اصلاحات بگشاید و تنها رئیس جمهوری که قبل از انتخابات، ریاست جمهوری وی قطعی نبود و فقط رای مردم علی‌رغم نظر منابع قدرت، او را بر کرسی ریاست جمهوری نشانند می‌رود تا پایان ناخوشایندی به لحاظ عدم استفاده از تمامی ظرفیت‌های ریاست جمهوری داشته باشد. آیا این بدان معناست که ریاست جمهوری در دوره نهم به سمت شیوه دوره‌های قبل از دوره هفتم بر خواهد گشت؟ سوالی است که جواب آن را به شماره بعد می‌گذاریم.

